



پیکر «ناصر تکمیل همایون» در زادگاهش آرام گرفت

**تاریخ نگارِ ایران دوست**

شنبه ۲۸ آبان ۱۴۰۱- ۲۴ ربیع الثانی ۱۴۴۴\_ ۱۹ نوامبر ۲۰۲۲

## چهره‌های ساکت مورد نظر چه کسانی هستند؟ جدال بر سر «سکوت خواص»

**همدلی!** در روزهای گذشته بارها مقامات دولت از خواص انتقاد کرده‌اند.انتقاداتی که برخی معتقد هستندند اشاره به مقامات دولت سابق و حسن روحانی دارند.تحلیل گران می‌گویند مقامات دولت رئیسی نوعی فرار رو به جلو را در پیش گرفته‌اند.

**گزارش «همدلی»از وضعیت بازارهای موزای در هفته‌ای که گذشت بازی سکه و دلار با سرمایه‌های سرگردان**

**افزایش ۲۲درصدی مرگ بر اثر گاز گرفتگی نسبت به سال گذشته قاتل خاموش کشته‌تر از پارسال**

**در آمد بیشتر مردم اجازه مراجعه به دندان پزشکی را نمی‌دهد غم نان؛ بزرگ‌تر از درد دندان**

**دعا برای تیم ملی فوتبال از تریبون نماز جمعه**

### سر مقاله

**صلاح‌الدین هرسسنی** – سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در همایش جهاد تبیین که صبح پنجشنبه، ۲۶ آبان در محل سالن اجلاس سران برگزار شد، با اشاره به حوادث اخیر و اعتراضات گفت:«خیلی‌ها در قضایای اخیر به وظیفه‌شان عمل نکردند، خیلی از خواص در قضایای اخیر مرود شدند و وظیفه قانونی،شرعی، اخلاقی و انقلابی خودشان را در تنویر افکار عمومی انجام ندادند.»قطعا آنچه را که جناب رئیسی اظهار کرده اند، معطوف به واقعیت است.از منظر نشانه‌شناسی، روی سخن و مخاطب جناب رئیسی، آن دسته از خواصی است که در گذشته در جهت تنویر افکار عمومی دست به بسیج افکار عمومی در تبیین و تشریح شرایط می زدند. مثلا سید محمد خامنی رئیس دولت اصلاحات برای مشارکت حداکثری، فرا خون می‌داد و یا آن‌که فضای اجتماعی و سیاسی را دعوت به مشارکت سیاسی حداکثری در انتخاب در جهت ارتقا پرسنژین نظام و حاکمیت می‌کرد. در شرایط حاضر نیز، روی سخن جناب رئیسی نسبت به آن دسته از خواصی است که روزگاری که عهده‌دار صدارت دو قوه مقننه و مجریه و یا لاقل در زمره آن دسته از رجل سیاسی بوده‌اند که در سیاست‌گذاری کلان کشور مثلا در نهادی چون شورای نگهبان و نظارت استصوابی نقش تعیین کننده‌ای داشته و در شرایط حاضر به نظر می‌رسد که با فرا رسیدن پاییز و زمستان سیاسی به خواب فراموشی فرو رفته‌اند و بیش از آن‌که اقدامی در جهت آسیب‌شناسی و تنویر افکار عمومی و وضعیت موجود نمایند، نظاره‌گره وضع موجودند. به نظر می‌رسد که این سکوت دو معنا و مفهوم بیشتر ندارد. یا آن‌که راضی به وضع موجودند و می‌دانند که سیاست‌های آن‌ها با خواسته‌های جامعه منطبق نبوده و یا آن‌که می‌خواهند اما نمی‌توانند و گوش کسی هم به حرف‌شان بده‌کار نیست.

از منظر علت‌شناسی سکوت خواص که طبق انگار های جناب رئیسی شاید بتوان آنها در ذیل مفهوم مصطلح در دو دهه اخیر یعنی «خواص بی‌بصیرت» قرار داد، ملول سه عامل است. عامل اول آن است که همان خواص جز مسببان وضع موجود هستند. برای نمونه وقتی غربال شوروی نگهبان و نظارت استصوابی مدیران بحران‌ساز را به جهت محرمیت به جای مدیران متخصص، عهده‌دار مناصب و پست‌های کلیدی می‌نماید، نباید انتظار داشت که نتیجه چیزی جز آن باشد که هم اینک در زیر بندهست شهرها جاری است. در ضمن چرا جناب رئیسی از خود نمی‌پرسد که گردش نخبگان در سپهر سیاسی ایران طبیعی و همدفند نیست و به جای گردش طبیعی چرخه نخبگان، فقط صندلی‌ها و پُست‌ها جابه‌جا می‌شود و مناصب به هیچ نحیهای یا تفاوت نگاه به دستگاه حاکمیت سپرده نمی‌شود؟ به عبارت دیگر، گردش نخبگان در ایران بیشتر تحت دوگانه (خودی و

# شهرنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

# شهرنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

**حوادث روزهای اخیز موجی از تگرانی و اندوه را در میان مردم ایجاد کرد**

# برای میان ایران

### سر مقاله

**چرا خواص سکوت را بر گزیده‌اند؟**

بیگانه)، بیشتر درون گروهی است و نه برون‌گروهی و ما به دست خود و البته واسطه همان دوگانه‌سازی دست رد بر سینه نخبگان واقعی زده‌ایم و اجازه ن داده‌ایم که نخبه واقعی به منظومه چرخه نخبگان ورود پیدا کند. تحت این شرایط و با توجه به آنکه آن دسته از نخبگان موجود که در آزمون سیاست‌ورزی مرودود و دست‌شان برای مردم باز شده است، اگر هم آنها بخواهند تلاشی برای تنویر افکار عمومی و بهینه شدن و بهبود وضع انجام دهند، مورد پذیرش افکار عمومی قرار نمی‌گیرد و شاید راه و طریق‌شان هم به ترکستان نرسد.

عامل دوم به فقدان نفوذ و مقبولیت مشروعیت و کاریزمای سیاسی خواص باز می‌گردد. به عبارت دیگر، می‌توان این گونه گفت که آن دسته از خواص، نمایندگان واقعی مردم نیستند و بیش از آنکه وکیل‌الرعا یا باشند وکیل‌الدوله بوده‌اند. ورود این دسته از خواص بیش از آن‌که ناشی از تخصص آنها باشد، حاصل تباری و زد و سیاسی و رانتی و نظام خویشاوندنسدالاری بوده است. ضمن آنکه محرمیت و روحیه چاکرمنشی این دسته از خواص جای تخصص آنها را گرفته است. در این ارتباط، بخش تراژیک و غم‌بار ماجرا آن‌جاست که آن دسته از خواصی که واجد کاریزما، مشروعیت و مقبولیت سیاسی بوده‌اند ودر موردی مشخص شده که بخش قابل ملاحظه‌ای از موارد به آن‌ها توجه دارند، از نقش‌یابی آنها برای تنویر اذهان عمومی جلوگیری شده و حاکمیت و نظام به واسطه همان الگوی دوگانه (خودی- بیگانه) یا آنها را محصور و یا آن‌که آنها را ممنوع‌التصویر و از صحنه سیاست در مفهوم دقیق آن حذف کرده است.

اما عامل سوم که جناب رئیسی بدان بی‌توجه است، همان مسئله شکاف نسلی است. او خود بیشتر از همه آگاه است که نیازها، خواسته‌ها و مطالبات نسل جدید به ویژه دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها منطبق با انگاره‌ها و نگرش‌های «الیت»های فکری و ابزاری در منظومه گردش نخبگان نیست. در واق، به‌واسطه انقلاب الکترونیک و گسترش فضاهای مجازی، توقعات کلانی در نسل‌های جدید پیدا شده که لاقل نخبگان سیاسی و فکری متعلق به دهه چهل و پنجاه قادر به ثبات بهره گیری؛ البته با تجدید نظر در سیاست‌های خاطر است که بیاتنه و فراخوان سلبریتی‌ها برای آنان جذابیت بیشتری دارد.

حال و در شرایطی که عامل و موثر محرک این اعتراضات قرار است از حجاب به مشکلات فزاینده و ناامید کننده اقتصادی شیغیت پیدا کند، بهتر آن است که اتاق‌های فکر حول مسئولان به‌جای تلاش برای جمع کردن موقتی ناآرامی‌ها و بازداشت معترضان، از چهره‌های کاریزما و مقبول در جهت ثبات بهره گیری؛ البته با تجدید نظر در سیاست‌های مشکل‌ساز چند دهه اخیر و پاسخ صحح و منطقی به مطالبات و خواسته‌های جامعه.

**همدلی!** پیکر ناصر تکمیل همایون؛ جامعه‌شناس و تاریخ‌نگار و چهره باسابقه در عرصه سیاسی ایران روز گذشته در زادگاهش قزوین به خاک سپرده شد. پیکر این مورخ فقید که روز پنج‌شنبه، ۲۶ آبان ماه پس از وداع در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، از تهران راهی قزوین شد، روز – ۲۷ آبان ماه – در بهشت حسینی این شهر به خاک سپرده شد. در این مراسم، همسر ناصر تکمیل همایون، فرزند او (نادر تکمیل همایون) و برخی از دوستان و همکاران این چهرهٔ فقید از جمله حمید تنکابنی (رئیس پژوهشکده مطالعات اجتماعی) حضور داشتند.

ناصر تکمیل‌همایون متولد ۱۳۱۵ در قزوین بود. او دورهٔ کارشناسی فلسفه و علوم تربیتی و کارشناسی‌ارشد علوم اجتماعی را در دانشگاه تهران گذراند و دورهٔ دکتری تاریخ و دکترای جامعه‌شناسی را در دانشگاه پاریس به پایان برد. از جمله آثار او به «تاریخ ایران در یک نگاه»، «آموزش و پرورش در ایران»، «آپسکون، یا جزیره آشوراده»، «سلطانیه»، «دانشگاه گندی‌شاپور»، «تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران: از آغاز تا دارالخلافه ناصری» «مشروطه‌خواهی ایرانیان (مجموعه مقالات)» و «جاده ابریشم» می‌توان اشاره کرد.

از این جامعه‌شناس و تاریخ‌نگار اخیرا اثری با عنوان «مصدق در دوره قاجار» منتشر شد. تکمیل‌همایون اثر دیگری به نام «ایران جان» از (انتشارات نگارستان اندیشه) را در آستانهٔ رونمایی داشت. این اثر با مضمون «هویت ملی» به نگارش درآمد.

او در روزهای اخیر در بی حمله قلبی در بیمارستان طالقانی تهران بستری شده بود و در روز ۲۵ آبان ماه درگذشت. رئیس فرهنگستان علوم، در پیامی درگذشت ناصر تکمیل همایون مورخ و پژوهشگر تاریخ و جامعه‌شناسی، تهران‌پژوه و از چهره‌های برجسته ملی را تسلیت گفت و افزود: فقدان او برای دانش کشور یک ضایعه است.

به گزارش روابط عمومی فرهنگستان علوم، رضا داوری اردکانی، با ابراز تاسف از درگذشت ناصر تکمیل همایون، درگذشت وی را برای دانش کشور یک ضایعه دانست و گفت:«آن مرحوم برای من دوستی عزیز بود و خاطرات و انس و صحبت دوران دانشکده با ایشان را از یاد نمی‌برم.»

تکمیل همایون پنج سال پیش در گفتوگو با «همدلی» به روایت بخش‌هایی از حضور خود در عرصه سیاست ایران پرداخت. او که به دوستی با ابوالحسن بنی صدر مشهور شده بود می‌گوید که از این دوستی سمتی و سهمی نبرده است. «اصلا سمتی نداشتم. دیناری هم از دولت و جمهوریّت بنی‌صدر استفاده نکردم یا سفر نرفتم. فقط برای یکی از دوستانم که عضو حزب جمهوری اسلامی بود و مادرش فوت کرده بود، از آقای بنی‌صدر یک امضا گرفتم. مادرش وصیت کرده بود او را در کربلا دفن کنند. آن موقع پاسپورت‌ها امضا می‌خواست. از بنی‌صدر امضا گرفتم که جنازه مادر این دوستانم به کربلا برود. یک بار دیگر هم آقای دکتر محمد مکرّی که سفیر ایران در مسکو بود، به روانشاد داریوش فروهر تلفن زد و گفت اطلاعاتی درباره جنگ دارم که می‌خواهم به بنی‌صدر انتقال دهم.» آقای فروهر ماجرا را به من گفت. من گفتم اطلاعات را به من بدهد تا من به بنی‌صدر منتقل کنم، مکرّی قبول نکرد.

**پیکر «ناصر تکمیل همایون» در زادگاهش آرام گرفت تاریخ نگارِ ایران دوست**

به این ترتیب من به بنی‌صدر زنگ زدم که او گفت سوار یکی از طیاره‌های جنگی که به درفول می‌آید شوید. با مکرّی قرار گذاشتم اما مکرّی نیامد. بعدها فهمیدم مکرّی اطلاعاتش را به آقای رجایی گفته. این دو مورد، پاسپورت برای یک جنازه و سفر به جبهه برای دیدن آقای بنی‌صدر تنها استفاده من از ریاست‌جمهوری ایشان بود.»

ناصر تکمیل همایون که روزگاری در جبهه ملی با بنی‌صدر سیاست‌ورزی می‌کرد در اوج اتفاقات و التهابات دهه ۶۰ پناه دادن او به بنی صدر رئیس جمهور برکنار شده، یکی از فرازهای مهم زندگی این مرد فرهنگی و سیاسی بود. موضوعی که او را نزدیکی حکم اعدام هم برد.



تکمیل همایون در گفت‌وگو با «همدلی» درباره آن روزها گفت: «ما تا زمانی که بنی‌صدر در کرمانشاه بود اصلا فکر نمی‌کردیم که قرار باشد در روزهای بعد مسئله اختفای او به میان بیاید. یک روز آقای حسین اخوان طباطبایی از من پرسید از بنی‌صدر خبری داری؟ گفتم خیر. بعد گفت بیا با ماشین من به خانه خواهرش برویم و ببینیم چه خبر است. خانه خواهر بنی‌صدر در پل رومی بود. وقتی آنجا رفتیم متوجه شدیم آقای تهران بیاید و احتمال دارد در تهران ماجراهای جدیدی پیش آید. خواهر دیگر بنی‌صدر به من گفت شما باید ابوالحسن را نجات دهید. این خواسته به این‌ خاطر نبود که بنده قدرت دارم. فقط به خاطر روابط دوستی ما بود. من هم گفتم: فردا به خانه بجهت خانم، خواهر دیگر بنی‌صدر می‌روم و همدیگر را می‌بینیم. روز بعد که ما خواستیم آنجا برویم فهمیدیم خانه در حالت محاصره قرار دارد. بنی‌صدر هنوز رئیس‌جمهور بود، اما فقط به دنبال تصمیماتی از فرماندهی کل قوا برکنار شده بود. ما سراغ حاجی لطفی رفتیم که به رئیس سیاه‌جامگان معروف بود. به او گفتمم بیا برویم خانه بنی‌صدر و او را از خانه بیرون بیاوریم. او هم چون تقریبا نگهبان ما بود و در سخنرانی‌ها همراه ما بود، قبول کرد. به خانه بنی‌صدر که می‌رفتیم دیدیم سرر کوچک چند پاسدار مراقب کوچک‌هاند. به آخر کوچک که رسیدیم یک موتور می دیدیم که داخل کوچک در رفت‌وآمد بود. در یکی از رفت‌وآمدهای او به حاجی لطفی گفتم برو بالا و بنی‌صدر را بیاور. اگر دیدی نخواست بیاید کمی لباست را تکان بده کلت را که ببیند همراهت می‌آید. خلاصه حاجی

**کره شمالی موشکی با قابلیت رسیدن به خاک آمریکا شلیک کرد**

**واشنگتن در تیررس**



سال هفتم – شماره ۲۰۶۴ – ۸ صفحه – قیمت ۲۰۰۰ تومان

### سر مقاله

**چرا خواص سکوت را بر گزیده‌اند؟**



**صلاح‌الدین هرسنی**  
کارشناس سیاسی

سید ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در همایش جهاد تبیین که صبح پنجشنبه، ۲۶ آبان در محل سالن اجلاس سران برگزار شد، با اشاره به حوادث اخیر و اعتراضات گفت:«خیلی‌ها در قضایای اخیر به وظیفه‌شان عمل نکردند، خیلی از خواص در قضایای اخیر مرود شدند و وظیفه قانونی،شرعی، اخلاقی و انقلابی خودشان را در تنویر افکار عمومی انجام ندادند.»قطعا آنچه را که جناب رئیسی اظهار کرده اند، معطوف به واقعیت است.از منظر نشانه‌شناسی، روی سخن و مخاطب جناب رئیسی، آن دسته از خواصی است که در گذشته در جهت تنویر افکار عمومی دست به بسیج افکار عمومی در تبیین و تشریح شرایط می زدند.

**شرح در همین صفحه**

### یادداشت‌ها

**تاریخ نگاری ستی و وقایع نگاری**  
**جهانگیر ایزدپناه**  
فعال اجتماعی

**باید خود را فدا کنم بر برگ‌به‌رگ روزها**  
**فیض شریفی**  
پژوهشگر ادبیات

لطفی، بنی‌صدر را به این صورت آورد و سوار ماشینش کردند. چند نفری که سرر کوچک مراقب بودند به صورت اتفاقی در آن لحظات، به خانه بنی‌صدر نگاه نمی‌کردند. موتوری هم موقع رفت‌وآمدش متوجه خروج بنی‌صدر نش... بعد از سه چهار شب که آنجا بودیم متوجه شدیم ماشینی آنجا مرتب رفت‌وآمد دارد؛ بنابراین به این نتیجه رسیدیم که از آنجا خارج شویم. من نمی‌دانستم کجا باید برویم؛ چون اصلا برای این کار ساخته نشده بودم و به رموز مخفی کاری و پنهان شدن آشایی نداشتم... سه، چهار روز هم آنجا ماندیم که صاحبخانه گفت یک ماشین که آنتنش بالاست اطراف این خانه در رفت‌وآمد است. او گفت می‌ترسم بنی‌صدر را بگیرند و به اسم من تمام شود. من ماجرا را به یکی از دوستانمان به نام اصغر لقای گفتم که او گفت بیایید خانه من...در خانه لقای بودیم ماجرای انفجار دفتر حزب پیش آمد...خبر اسامی کشته‌ها را که برای ما می‌آوردند من شاهد بودم بنی‌صدر برای بعضی از آن‌ها گریه کرد. می‌گفت بعضی از این‌ها آدم‌های خوبی بودند. کسی که بیشتر یادم می‌آید شهید حسن عباسپور وزیر نیرو بود. بنی‌صدر حالتی نداشت که بتوانیم بگوییم خوشحال بود... از هفتم تیر دیگر روحیات بنی‌صدر عوض شد. ما تا آن روز مخفی بودیم، اما از آن روز به بعد ماجرای مخفی شدن کمی روشن‌تر و مشکل‌تر شد. من سراغ آقای داریوش فروهر رفتم. آقای فروهر خودش هم پنهان شده بود. حالا برای پیدا کردن فروهر هم مکافات داشتیم. به فروهر که ماجرا را گفتم، گفت تنها راهش این است که ایشان آفروهرآ برود قم و با آقای پسندیده ملاقات کند که او یادرمیانی کند تا بنی‌صدر را بتوان یک جا مخفی کرد. قرار شد فروهر این کار را بکند و همچنین یک بار هم بیاید بنی‌صدر را ببیند که البته نیامد. او به من حالی کرد که اگر بخواهی بنی‌صدر را پیش امام ببری تا آن موقع ممکن است کشته شود. چون از هفتم تیر به بعد فضا کمی میجانی شده بود و مردم شعارهای ضد بنی‌صدر می‌دادند و گویا انفجار حزب جمهوری اسلامی را به دستسور او می‌پنداشتند. از طرفی هم خانواده بنی‌صدر به من فشار می‌آوردند که تو نه چریکی نه خانه تیمی داری. به من می‌گفتند بنی‌صدر را تحویل مجاهدین بده...یک روز این‌ها با یک تاکسی پیکان قراضه آمدند دنبال بنی‌صدر. شاید هیچ کس باور نکندد این‌گونه دنبال یک مقام سیاسی بروند. در داخل این پیکان راننده‌ای با قیافه کارگری نشسته بود. خامنی هم با عینک دودی در کنار راننده نشسته بود که بعدها شنیدم پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی به پژوهش پیردازد در بغل این‌ خاتم بود که بادکنک بزرگی دستش بود. یک چسب زخم به گونه بنی‌صدر چسباندند، بعد داخل ماشین بچسه با بادکنکش را هم دادند بغل او. این تاکسی بین چهار ماشین آخرین مدل حرکت کرد و رفت.»

ناصر تکمیل همایون با این سابقه سیاسی و فرهنگی توانست از التهابات دهه ۶۰ که اعدام سکهه رایج آن روزگار بود، به وساطت برخی روحانیون نزدیکان بیناتنگار جمهوری اسلامی جان به‌در ببرد ونزدیک به ۲۰ سال پس از آن روزها را در پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی به پژوهش پیردازد و کتاب بنویسد. فعالیت‌هایی که به گواه بسیاری، ایران‌دوستی در مرکز آن قرار داشت.